



دوشنبه ۲۷ مهر ۱۴۰۵

وطن امروز ۱ شماره ۴۷۳۸

صفحه آخر

امام حسن مجتبی (ع)

بین حق و باطل به اندازه ۴ انگشت فاصله است، آنچه با چشمت بینی، حق است و چه بسا با گوش خود سخن باطل بسیاری را بشنوی.

روزنامه سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی

صاحب‌انیتاز و مدیرمسئول: محمد آخوندی
مدیرعامل: زنا شکیبایی
سر‌دبیر: سید عابدین نورالدینی

نشانی: خیابان انقلاب اسلامی، بین حافظ و خیابان ولیعصر(عج)، کوچه سجد، پلاک ۹
روابط عمومی: ۶۶۴۱۳۷۹۲ تلفن: ۶۶۴۱۳۷۸۳ نمابر: ۶۶۴۱۴۱۳۷
پیام‌رسان: @vatanemrooz پست الکترونیک: info@vatanemrooz.ir
چاپ: ایران کهن

فرهنگ‌سازی عمومی و صرفه‌جویی ۷۰ تا ۱۰۰ میلیون مترمکعبی گاز مشترکان، کلید عبور از فصل سرماست

گذر از زمستان



گروه اقتصادی: ایران امسال باید در شرایطی به استقبال فصل سرما برود که موضوع کسری گاز جدی‌تر از گذشته است، چرا که از یک سو میان نیاز کشور و توان تأمین گاز فاصله معناداری شکل گرفته و از سوی دیگر خسارات جنگ باعث کاهش ظرفیت تولید، هرچند به شکل محدود شده است، مساله اکنون این است که چگونه می‌توان با منابع محدودتر، گرمای خانه‌ها را حفظ کرد و در همان حال اجازه نداد چرخ صنایع و کارخانه‌ها از حرکت بایستد. برآوردهای مختلف نشان می‌دهد در روزهای اوج سرمای زمستان ۱۴۰۵ کشور ممکن است با کمبود حدودا ۲۰ درصدی گاز مواجه شود. کمبود، هرچند اندک، در بازاری که مصرف آن پیوسته و ضروری است با کمبود معمولی یک کالا تفاوت دارد. گاز را نمی‌توان برای چند هفته از سبد مصرف خانوار کنار گذاشت و بسیاری از کارخانه‌ها نیز بدون آن قادر به ادامه فعالیت نیستند. در این میان، تغییر مدیریت وزارت نفت بر حساسیت اوضاع افزوده است. حمید بورا از ۱۲ مهر ۱۴۰۵ مسؤولیت سرپرستی این وزارتخانه را بر عهده گرفته و فرصت چندانی نیز تا آغاز سرمای جدی باقی نمانده است. طبیعی است هیچ مدیری، با هر اندازه تجربه و توانایی نمی‌تواند در فاصله چند هفته، یک میدان گازی را توسعه دهد یا تمام ظرفیت آسپدیده را بازسازی کند. افزایش تولید، «سرمايه، تجهیزات و زمان» می‌خواهد؛ ۳ عاملی که دست‌کم در کوتاهمدت با محدودیت روبه‌رو هستند.

همین‌جا باید پرسشی متفاوت مطرح کرد: اگر نمی‌توان در فرصت باقیمانده گاز بسیار بیشتری تولید کرد، آیا می‌توان با مصرف کمتر بخشی از گاز مورد نیاز کشور را تأمین کرد؟ پاسخ مثبت است و اتفاقا یکی از مهم‌ترین ظرفیت‌های اقتصادی ایران در زمستان امسال در همین پرسش نهفته است؛ ظرفیتی که در خانه‌های میلیون‌ها ایرانی، ساختمان‌های اداری، فروشگاه‌ها و مراکز عمومی پراکنده شده و فعال شدن آن، پیش از هر چیز به آگاهی، اعتماد و مشارکت مردم نیاز دارد.

■ **ثروتی بزرگ و رنج کمبود**

ایران با برخورداری از حدود ۳۲،۳ تریلیون مترمکعب ذخایر اثبات‌شده گاز طبیعی، از بزرگ‌ترین دارندگان این منبع در جهان است. با وجود این ثروت زیرزمینی، تأمین گاز در فصل سرما به یکی از دغدغه‌های همیشگی اقتصاد کشور تبدیل شده‌است. حدود ۷۰ درصد انرژی مصرفی کشور به گاز طبیعی وابسته است. این وابستگی در سال‌های گذشته مزیت بزرگی برای توسعه گازرسانی و دسترسی خانوارها به انرژی ارزان بوده اما اکنون فشار کمبود را نیز به بخش بزرگی از اقتصاد منتقل می‌کند، به‌ویژه آنکه پارس جنوبی، تأمین‌کننده بخش عمده گاز کشور، علاوه بر نیاز به سرمایه‌گذاری برای نداشتن تولید، در جریان حملات نظامی اخیر متحمل آسیب شده است.

طبق اعلام سخنگوی دولت در خرداد ۱۴۰۵، آسیب به تأسیسات پارس جنوبی حدود ۲۳۰ میلیون مترمکعب از ظرفیت روزانه تأمین گاز کشور را از مدار خارج کرد. گزارش‌های مهرماه از بازایی حدود ۱۰۰ میلیون مترمکعب این ظرفیت حکایت دارد و بازگشت بخش دیگری نیز در دستور کار قرار گرفته است. با این حال، حتی احیای بخشی از ظرفیت آسیب‌دیده، کسری قدیمی گاز را از میان نمی‌برد.

برآورد مرکز توسعه پایدار انرژی نشان می‌دهد کسری گاز کشور پیش از آسیب‌های اخیر، در روزهای اوج زمستان به ۲۰۰ تا ۳۰۰ میلیون مترمکعب در روز می‌رسید و اکنون، برآورد کسری ۳۰۰ تا ۳۳۰ میلیون مترمکعبی یا حتی سناریوهای دیگر پیش‌بینی می‌شود.

■ **کمک‌خانه به کار خانه**

وقتی از کمبود گاز سخن می‌گوییم، معمولا نخستین تصویر، خانه‌ای سرد در یک شب برفی است اما بخش مهمی از هزینه کمبود، دور از چشم مردم و در خطوط تولید پراخت می‌شود. برای حفظ جریان گاز خانگی، ناگزیر بخشی از تحویل گاز به کارخانه‌ها و نیروگاه‌ها محدود می‌شود. در ظاهر خانه‌ها گرم می‌ماند ولی پیامد اقتصادی این تصمیم ممکن است ماهه‌ادامه داشته باشد. بر اساس داده‌های وزارت صنعت، معدن و تجارت که در گزارش‌های تخصصی مورد استناد قرار گرفته، صنایع کشور در زمستان ۱۴۰۳ به طور متوسط با محدودیت ۵۵ درصدی دریافت گاز روبه‌رو بودند. تعداد روزهای محدودیت نیز از ۷۵ روز در سال ۱۴۰۲ به ۱۱۱ روز در سال ۱۴۰۳ افزایش یافت و خسارت برآوردی محدودیت گاز صنایع به حدود ۱۳۰ هزار میلیارد تومان رسید.

مجموع ارزش تولید از دست‌رفته ناشی از محدودیت‌های برق و گاز نیز برای همان سال حدود ۳۰۳،۵ هزار میلیارد تومان اعلام شده است. البته این ارقام برآورد عدم‌النفع تولید است و نباید آن را با زیان حسابداری قطعی همه بنگاه‌ها یکسان دانست. صنعت فولاد نمونه روشنی از این مساله است. گاز برای بسیاری واحدهای احیای مستقیم، بخشی از فرآیند تولید است و قطع آن مانند خاموش کردن چراغ دفتر کار خانه نیست. توقف تولید آهن اسفنجی می‌تواند تأمین مواد اولیه مراحل بعدی را مختل کند و اثر آن به واحدهای پایین‌دستی برسد. برآوردهای ارائه‌شده از زنجیره آهن و فولاد، ارزش تولید از دست‌رفته ناشی از محدودیت برق و گاز طی سال‌های ۱۴۰۰ تا ۱۴۰۴ را حدود ۱۸،۴ میلیارد دلار نشان می‌دهد که ۴،۳ میلیارد دلار آن به سال ۱۴۰۴ نسبت داده شده است.

خطر دیگری نیز در کمین است؛ وقتی گاز کمتری به نیروگاه‌ها برسد، بخشی از آنها ناچار به مصرف بیشتر گازوئیل و مازوت می‌شوند. سوخت‌هایی که تأمین و حمل‌شان هزینه دارد و برخی از آنها آلودگی بیشتری ایجاد می‌کنند. بنابراین یک مترمکعب گازی که بیهوده در ساختمانی گرم مصرف می‌شود، ممکن است در نقطه دیگری از اقتصاد به معنای کاهش تولید، افزایش هزینه برق یا مصرف سوخت آلاینده باشد.

ارزش صرفه‌جویی را باید در همین پیوند میان خانه و کارخانه فهمید. کاهش مصرف غیرضروری خانوارها می‌تواند به استمرار تولید، حفظ اشتغال و کاهش فشار بر ذخایر سوخت نیروگاهی کمک کند.

■ **معنای ۱۰ درصد صرفه‌جویی با مشارکت مردم**

برای درک اهمیت مشارکت مردم در صرفه‌جویی، کافی است یک محاسبه ساده‌انجام دهیم. طبق اعلام شرکت ملی گاز، مصرف روزانه بخش خانگی، تجاری و صنایع جز در دی‌ماه ۱۴۰۴ به حدود ۶۹۰ میلیون مترمکعب رسید. حال اگر با مجموعه‌ای از اقدامات آموزشی، تغییر رفتار مصرف‌کنندگان و اصلاحات کم‌هزینه، مصرف این بخش‌ها در زمستان پیش‌رو ۱۰ درصد کاهش یابد، روزانه حدود ۶۹ میلیون مترمکعب گاز صرفه‌جویی خواهد شد. با کاهش ۱۵ درصدی، این رقم به حدود ۱۰۳،۵ میلیون مترمکعب می‌رسد. حتی تحقق بخشی از این ظرفیت نیز دستاورد مهمی

خواهد بود. آزادسازی روزانه ۷۰ تا ۱۰۰ میلیون مترمکعب گاز، در شرایطی که کشور با کمبود چندصد میلیون مترمکعبی مواجه است، می‌تواند فشار بر شبکه را به شکل محسوس‌ی کاهش دهد. برای مثال، اگر کسری گاز در یک روز سرد ۳۰۰ میلیون مترمکعب باشد، صرفه‌جویی ۹۰ میلیون مترمکعبی می‌تواند از نظر حجمی معادل ۳۰ درصد آن کمبود باشد. این محاسبه نشان می‌دهد مشارکت مردم چه اندازه می‌تواند در مدیریت بحران مؤثر باشد. از سوی دیگر، اگر برنامه صرفه‌جویی نتواند برای ۹۰ روز به طور متوسط روزانه ۷۰ میلیون مترمکعب گاز آزاد کند، مجموع صرفه‌جویی به ۶،۳ میلیارد مترمکعب خواهد رسید؛ حجمی ارزشمند که بدون حفاری چاه جدید یا ساخت پالایشگاه تازه به دست آمده است.

اهمیت این ظرفیت زمانی روشن‌تر می‌شود که بدانیم طبق توضیحات مسؤولان شرکت ملی گاز، کاهش یک درجه‌ای دمای تنظیم‌شده گرمایش خانه می‌تواند در شرایط معمول حدود ۶ درصد از مصرف گاز همان خانه بکاهد. بنابراین کاهش متعارف دمای محیط، پوشیدن لباس مناسب فصل، خاموش کردن وسایل گرمایشی اتاق‌های بدون استفاده و جلوگیری از خروج گرما، مجموعه‌ای از اقدامات ساده است که در مقیاس میلیون‌ها خانوار می‌تواند نتیجه‌ای بزرگ در پی داشته باشد.

■ **در فرصت کوتاه چه می‌شود کرد؟**

حمید بورا در شرایطی مسؤولیت وزارت نفت را پذیرفته که فرصت اجرای طرح‌های بزرگ تولیدی برای تأثیرگذاری بر زمستان پیش‌رو بسیار محدود و شبیه معجزه است. تکمیل پروژه‌های توسعه‌ای، افزایش فشار مخازن و ساخت تأسیسات جدید باید با جدیت دنبال شود اما نمی‌توان انتظار داشت نتیجه همه این برنامه‌ها پیش از رسیدن سرمای امسال در شبکه نمایان شود. به همین دلیل، مهم‌ترین اولویت فوری مدیریت جدید می‌تواند تبدیل صرفه‌جویی گاز به یک برنامه ملی و فراگیر باشد؛ برنامه‌ای که برای آن هدف عددی تعیین شود، امکانات اجرایی فراهم آید، دستگاه‌های مختلف مسؤولیت بپذیرند و نتیجه هر هفته در معرض دید مردم قرار گیرد. هدف‌گذاری کاهش ۱۰ درصدی مصرف گاز خانگی و تجاری، همراه با تلاش برای دستیابی به ۱۵ درصد در ساختمان‌های دارای ظرفیت بالای صرفه‌جویی

می‌تواند مبنایی برای برنامه‌ریزی باشد. مزیت چنین برنامه‌ای در سرعت اثرگذاری است. ساخت یک پالایشگاه سال‌ها طول می‌کشد اما تنظیم درست دمای میلیون‌ها خانه می‌تواند از نخستین روزهای اجرای برنامه بر تقاضای گاز اثر بگذارد. برای موفقیت این طرح باید از ظرفیت سایر دستگاه‌ها نیز استفاده کرد. وزارت آموزش و پرورش، وزارت راه و شهرسازی، شهرداری‌ها، سازمان‌های مردنه‌اد و به‌ویژه صدلوسیما می‌توانند در این برنامه نقش جدی داشته باشند.

■ **صدلوسیما و مأموریت تغییر رفتار**

زمستان ۱۴۰۳ پویش ۲۶ درجه کمتر» نشان داد می‌توان موضوعی فنی مانند مصرف گاز را به مساله‌ای عمومی تبدیل کرد. سخنگوی دولت در آن زمان از کاهش حدود ۳ درصدی مصرف گاز و صرفه‌جویی ۳۰ میلیون مترمکعبی در ارتباط با این پویش خبر داد. تجربه یادشده نشان می‌دهد ظرفیت رسانه‌ای کشور برای آموزش مصرف انرژی قابل استفاده است.

اکنون این تجربه باید بسا برنامه‌ریزی دقیق‌تر تکرار شود. صدلوسیما به دلیل گستردگی شبکه‌های ملی و استانی، امکان ارتباط مستمر با خانوارهای سراسر کشور را دارد اما فرهنگ‌سازی مؤثر با بخش چند تصویر از شعله گاز یا تکرار شعارهای صرفه‌جویی به دست نمی‌آید؛ مخاطب باید بفهمد کدام رفتار او چه مقدار مصرف را کاهش می‌دهد، چرا این کاهش برای اقتصاد کشور اهمیت دارد و چگونه می‌تواند بدون تحمل سرمای نامناسب در برنامه‌مشارکت‌کند. برای نمونه، یک برنامه کوتاه‌تولیزیونی می‌تواند نشان دهد که درزگیری اصولی پنجره، تنظیم دمای موتورخانه، استفاده درست از شیرهای ترموستاتیک و بستن پرده‌ها در شب چه اثری بر مصرف گاز دارد. برنامه دیگری می‌تواند دلستان یک کارخانه فولاد را روایت کند که به دلیل محدودیت سوخت، بخشی از فعالیت خود را کاهش داده است. چنین روایتی ارتباط میان مصرف خانگی و اقتصاد ملی را برای مخاطب ملموس می‌کند. خانواده درمی‌یابد کاهش مصرف غیرضروری، تنها به قبضی کوچک‌تر محدود نمی‌شود و می‌تواند به حفظ فعالیت اقتصادی کشور کمک کند.

شبکه‌های استانی نیز می‌توانند پیام‌ها را متناسب با اقلیم مناطق تنظیم کنند. شرایط گرمایش خان‌های در اردبیل با آپارتمانی در بندرعباس یکسان نیست. همچنین حساسیت شبکه گاز در



استان‌های شمالی، به دلیل موقعیت آنها در انتهای برخی خطوط انتقال، ضرورت آموزش و مدیریت مصرف محلی را افزایش می‌دهد. در این مناطق، اطلاع‌رسانی پیش‌هنگام، آموزش استفاده ایمن از تجهیزات و توجه به واحدهای خالی از سکنه اهمیت ویژه‌ای دارد. در کنار تلویزیون، باید از پیام‌رسان‌ها، رسانه‌های اجتماعی، مدارس، مساجد و مراکز محلی نیز کمک گرفت. دانش‌آموزی که در مدرسه شیوه درست تنظیم دمای خانه را یاد می‌گیرد، می‌تواند همان آموزش را به خانواده منتقل کند. مدیر ساختمان نیز با دریافت راهنمای روشن درباره موتورخانه، قادر است مصرف ده‌ها واحد مسکونی را مدیریت کند. چنین شبکه‌ای از آموزش عمومی، اثرگذاری بیشتری از پیام‌های پراکنده و مقطعی خواهد داشت.

■ **مشارکت مردم با اعتماد آغاز می‌شود**

موفقیت برنامه صرفه‌جویی به یک شرط اساسی وابسته است و آن اعتماد مردم به هدف و نتیجه اقدامات است. اگر شهروندان احساس کنند همه مسؤولیت کمبود گاز بر دوش آنان گذاشته شده، در حالی که اتلاف انرژی در ساختمان‌های دولتی و تأسیسات عمومی ادامه دارد، انگیزه مشارکت کاهش می‌یابد. مردم زمانی بهتر همراه می‌شوند که ببینند دستگاه‌های اجرایی نیز همان قواعد را رعایت می‌کنند.

از این ره، دولت باید از ساختمان‌های متعلق به خود آغاز کند. کاهش مصرف گاز در وزارتخانه‌ها، بانک‌ها، ادارات، مراکز تجاری بزرگ و ساختمان‌های عمومی باید به تعهدی مشخص تبدیل شود. نمایش عمومی میزان صرفه‌جویی دستگاه‌ها و معرفی مجموعه‌های موفق می‌تواند به شکل‌گیری رقابتی سازنده کمک کند. چنین اقدامی پیام مهمی دارد: صرفه‌جویی تکلیفی عمومی است و دولت خود را از آن مستثنا نمی‌داند.

مشوق‌های مالی نیز می‌تواند این اعتماد را تقویت کند. خانواری که نسبت به مصرف متعارف و متناسب با شرایط آب‌وهوایی منطقه خود کاهش معناداری ثبت می‌کند، می‌تواند از تخفیف قبض یا پاداش مشخص برخوردار شود. در مقابل، فشار قیمتی یکسان بر همه مشترکان لزوما عادلانه نیست، زیرا کیفیت ساختمان‌ها و تجهیزات گرمایشی تفاوت دارد. خانواری که درآمد ممکن است به دلیل زندگی در ساختمانی فرسوده، با وجود رعایت الگوی مصرف گاز بیشتری مصرف کند.

در همین نقطه، فرهنگ‌سازی باید به اقدامات فنی متصل شود. برآورد وجود حدود ۲۰ میلیون بخاری کم‌بازده در کشور نشان می‌دهد بخشی از مصرف بالا ریشه در فرسودگی تجهیزات دارد. جایگزینی تدریجی این وسایل با نمونه‌های استاندارد و برپازده، عایق‌بندی ساختمان‌ها و اصلاح موتورخانه‌ها می‌تواند دستاورد صرفه‌جویی را ماندگار کند. برنامه‌های کارور انرژی نیز با همین هدف طراحی شده‌اند و طبق اعلام شرکت ملی گاز، تا مهرماه ۱۴۰۵ تعداد ۱۰۹ قرارداد در این حوزه امضا شده است.

■ **زمستان باید بهار تغییر باشد**

ایران برای عبور از زمستان ۱۴۰۵ با انتخاب آسانی روبه‌رو نیست. ظرفیت تولید محدود شده، مصرف در روزهای سرد افزایش می‌یابد و صنایع نیز پس از سال‌ها تحمل محدودیت انرژی، توان کمتری برای پذیرش اختلال تازه دارند. توسعه میدان‌های گازی، بازسازی تأسیسات و اصلاح ساختار انرژی ضرورتی انکارناپذیر است اما فرصت کوتاه باقیمانده اجازه نمی‌دهد همه مشکلات از مسیر افزایش تولید حل شود.

در این میان، کاهش ۱۰ تا ۱۵ درصدی مصرف گاز در بخش‌های خانگی و تجاری می‌تواند هدفی ارزشمند برای یک برنامه ملی باشد؛ هدفی که تحقق و ظرفیت اقتصادی آن به اندازه‌ی مهم است که نباید نادیده گرفته شود. چندده میلیون مترمکعب صرفه‌جویی روزانه می‌تواند بخشی از فشار کمبود را کاهش دهد و فرصت بیشتری برای حفظ تولید و تأمین پایدار انرژی فراهم کند. زمستان امسال، ایران به همان اندازه که به تلاش مهندسان برای بازگرداندن ظرفیت تولید نیاز دارد، به همراهی مردم برای جلوگیری از هدررفت انرژی محتاج است. اگر دولت بتواند این همراهی را با آموزش درست، اعتمادسازی و مشوق‌های سنجیده به دست آورد، بخشی از گاز مورد نیاز کشور از مسیری تأمین خواهد شد که نه به میدان تازه احتیاج دارد و نه به سرمایه‌گذاری چندمیلیارد دلاری؛ از مصرف نکردن گازی که اساسا نیازی به سوزاندن آن نبوده است. شاید مهم‌ترین درس زمستان ۱۴۰۵ همین باشد که در اقتصاد انرژی، گاهی ارزان‌ترین منبع تازه همان منبعی است که از هدر رفتنش جلوگیری می‌کنیم.

شنگن و سیاست‌های یکپارچه‌ساز پولی حوزه یورو نشانه رفته‌اند. نقطه‌لوح بحران دقیقا همین‌جاست: با تثبیت جایگاه راست‌گرایان افراطی در هرم قدرت کشورهای تأثیرگذار، اساس و فلسفه وجودی اتحادیه و حوزه یورو با چالش بقا روبه‌رو خواهد شد. پروژه‌ای که بر پایه ادغام اقتصادی، حذف مرزها و فدا کردن استقلال ملی در ازای منافع مشترک بنا شده بود، اکنون با پارادایم «اولویت منافع ملی» که ملی‌گرایان آن را نمایندگی می‌کنند، تضاد آشنی‌ناپذیری پیدا کرده است. این گسل هویتی و نهادی، پاشنه آشیل ماهوی اتحادیه اروپایی خواهد بود؛ گسلی که نه با وام‌های کمکی بانک مرکزی اروپا مهار می‌شود و نه با سئوکوب پلیسی در خیابان‌ها.

به‌ویژه در ۲۰ ستون اصلی اتحادیه اروپایی یعنی فرانسه و آلمان است. موفقیت‌های چشمگیر و تاریخی احزابی چون «تجمع ملی» در فرانسه و «الترناتیو برای آلمان» (AfD) در انتخابات‌های محلی و ایالتی اخیر، زنگ خطری را به صدا درآورده که طنین آن ارکان اتحادیه را به لرزه درآورده است. شهروند سرخورده اروپایی که هویت، معیشت و امنیت خود را قربانی تصمیمات پشت درهای بسته بروکسل می‌بیند، راه‌حل نجات را در بازگشت به مرزهای ملی، بازتعریف حاکمیت ملی و طرد نهادهای فراملی جست‌وجو می‌کند. احزاب راست افراطی، با بهره‌برداری ماهرانه از این سرخوردگی عمیق، انگشت اتهام را به سمت ساختار اتحادیه اروپایی، پیمان

مسالم‌آمیز زیر سایه تیانی این ۲ جناح سنتی، جامعه را به این نتیجه رسانده که چرخش قدرت میان چهره‌های تکراری، هیچ تغییری در سرنوشت محتوم اقتصادی آنان ایجاد نمی‌کند. خشم خیابانی امروز، عصبانی آشکار علیه انسداد سیاسی و ریاکاری تاریخی ۲ جریان حاکم است. در چنین بستری که ساختار مستقر پاسخی برای بحران‌های هویتی، معیشتی و امنیتی شهروندان ندارد، چرخش جامعه به سوی جریان‌های ملی‌گرای افراطی (راست رادیکال) به یک قانون‌مندی گریزناپذیر جامعه‌شناختی تبدیل شده است. این روند دیگر یک تهدید بالقوه یا فرضیه نظری نیست، بلکه واقعیتی ثبت‌شده در نظرسنجی‌ها و صندوق‌های رأی،

میانه و راست میانه تقلیل یافته بود؛ احزابی که در ظاهر بر سر مسائل هویتی یا میزان اندک مالیات‌ها لفاظی می‌کردند اما در میدان عمل، هر دو جناح متعهد به پیاده‌سازی موبه‌موی دکترین‌های ریاضتی، خصوصی‌سازی بی‌رحمانه خدمات عمومی و واگذاری منافع ملی به بروکراسی ناتوان بروکسل (مقر اتحادیه اروپایی) بودند. سوسیال – دموکرات‌ها با عدول از اصول اولیه خود و پذیرش چارچوب‌های اقتصاد بازار آزاد، کارگران و دانشجویان را

تنها گذاشتند و محافظه‌کاران نیز با اولویت‌بخشی به شرکت‌های چندملیتی و هزینه‌های سرسام‌آور نظامی گری خارج‌ی، شکاف طبقاتی را به حد حاکتر رساندند. بی‌پاسخ ماندن دهه‌ها اعتراض

ادامه از صفحه اول
یکی از خطاهای تحلیلی رایج، انداختن بار این جامعه بر دوش یک گرایش حزبی خاص است. واقعیت آن است که مقاملات اروپا، از سوسیال – دموکرات‌های مدعی عدالت اجتماعی

گرفته تا محافظه‌کاران و احزاب سسننی راست میانه، همگی در پی‌ریزی و تثبیت این معماری معیوب نقش داشته و در خلق شرایط کنونی، شریک جرم قطعی‌اند. طی چند دهه گذشته، بازی دموکراسی در اروپا به یک جابه‌جایی نمایشی میان چپ



www.vatanemrooz.ir

در شبکه‌های اجتماعی



@vatanemrooz

سلام وطن

۶۶۴۱۳۹۴۲

پیامک خوانندگان

۱۰۰۰۲۲۳۱